



تفسیر آیات مشکل

درس ۹

نبودن اختلاف و تعارض در قرآن

استاد: آیت الله یعقوب جعفری

کارشناسی ارشد

**مقدمه**

از همان روزهای اولیه نزول قرآن، عده‌ای به دنبال بهانه‌ای بودند تا آیات الهی را که از جانب پروردگار نازل شده، انکار کنند و به این ترتیب بهانه‌ای برای باقی ماندن در کفر به دست آورند. یکی از این بهانه‌ها، تهمت‌هایی بود که به پیامبر اسلام می‌زدند، که قرآن را شخص دیگری به محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) یاد داده است. قرآن این مطلب را صراحتاً رد می‌کند و آن را کلام و حیانی معرفی می‌نماید، که خداوند به وسیله جبرئیل به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نازل کرده است. از طرف دیگر از آنجا که معمولاً در نوع سخنان و نوشته‌های افراد بشر در درازمدت تغییر، تکامل و تضاد پیش می‌آید، این اختلاف را به غیر از خدا، یعنی بشر نسبت می‌دهد و بیان می‌دارد که این قرآن در طول ۲۳ سال نزول، در شرایط گوناگون جنگ و صلح، غربت و شهرت، قوت و ضعف، و در فراز و نشیب‌های زمان آن‌هم از زبان شخصی درس نخوانده، بدون هیچ‌گونه اختلاف و تناقض بیان شده، دلیل آن است که کلام خداست، نه آموخته بشر. در این درس به دنبال اثبات آنیم که کلام الهی، خالی از هرگونه اختلاف و تعارض است و اگر موارد اختلافی پیدا می‌شود، ناشی از سوء فهم و تدبیر است.

محتوای آموزشی

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا».

(نساء، ۸۲)

آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ و اگر از نزد غیر خدا بود، در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.

لغت و اعراب

- در «افلا يتدبرون» همزه برای استفهام انکاری توییخی و فاء برای تفریع است و مطلب را بر کلام سابق درباره منافقان و کافران تفریع می‌کند و در واقع یک نوع تحدی است.
- «تدبر» اندیشیدن برای رسیدن به عمق مطلب. از «دبر» مشتق شده که به معنای پشت و دنباله است. گویا با تدبر، دنباله و عاقبت کار و آنچه در پشت مطلب وجود دارد، به دست می‌آید.
- «واو در «ولو كان» برای عطف بر جمله استفهامیه و یا حالیه است و جمله حال برای قرآن است.
- «کثیراً» صفت برای «اختلاف» است و مربوط به کلامی از غیر خداست، منظور این است که در کلام غیر خدا اختلاف‌های بسیاری یافت می‌شود و این در حالی است که در کلام خدا اختلاف اندکی هم نیست.



نبودن اختلاف و تعارض در آیات قرآنی

با وجود تنوع و گستردگی مطالب در آیات قرآنی، یکی از امتیازات و حتی وجوه اعجاز قرآن، نبودن اختلاف و تناقض در میان مطالب قرآن است.

با این که قرآن در هر موضوعی وارد شده و اظهار نظر کرده و یک مطلب را با عبارتهای مختلف و گاهی با همان عبارت تکرار کرده، در عین حال نمی توان میان دو مطلب از مطالب قرآنی تناقض پیدا کرد.

یک بشر هر اندازه هم در فنی متخصص باشد، وقتی کتابی را در فنی تألیف می کند، در صورتی که فصول کتاب را در زمانهای مختلف بنویسد، متخصصان دیگری که به آن کتاب مراجعه می کنند اختلاف سلیقه های بسیاری در آن می بینند و حتی شاید تناقضها و تضادهایی در آن پیدا کنند.

اگر مدت تألیف کتاب زیاد طول بکشد (مثلاً بیست سال) و کتاب نه درباره یک موضوع، بلکه درباره موضوعات متنوع بسیاری تألیف شده باشد و نویسنده آن در حالات مختلفی از غم و شادی، جوانی و پیری، بیماری و تندرستی، و در بحرانهای مهمی که برای او پیش آمده، بنویسد، پرواضح است که بخشهای مختلف کتاب با هم - دیگر هماهنگ نخواهند بود و نویسنده دچار تضادها و تناقضهای بسیاری خواهد شد.

مثلاً شاعران بزرگ و معروف را در نظر بگیرید، آیا شعرهایی که در جوانی و اوایل کار سروده اند، با شعرهایی که در دوران پختگی و کسب تجربه های فراوان سروده اند، یکی است؟

ولی قرآن از یک هماهنگی و استحکام و اتقان عجیبی برخوردار است و این در حالی است که همه می دانیم، آیات قرآن در طول بیست و سه سال آنهم در حالت های مختلف نازل شده. بعضی از آیات در حال جنگ و شدت بحران و بعضی از آنها در حال صلح و آرامش، بعضی در اوایل کار پیامبر که دوران غربت و بی کسی اسلام بود آمده و بعضی دیگر در مدینه و یا پس از فتح مکه و دوران شوکت و اقتدار اسلام نازل شده و پیامبر آن آیات را از چهل سالگی تا شصت و سه سالگی به مردم خوانده است.

با این وجود، آیات مکی به همان نسبت محکم و متقن است که آیات مدنی، هم چنین آیاتی که به هنگام سختی ها و شداید فرود آمده، به همان درجه از اعجاز است که آیات نازل شده در هنگام فراغت و آسایش.

البته معلوم است که منظور از نبودن اختلاف در قرآن، نفی تناقض در میان مطالب قرآن و نبودن اختلاف و تضاد در میان موضوعات مطرح شده در آن است، ولی اختلافاتی مانند اختلاف در کوتاهی و بلندی آیات و یا اختلاف قرائات و یا اختلاف در درجه فصاحت و بلاغت آیات، در قرآن وجود دارد، ولی دلیل بر سستی و ضعف نیست. هم چنین مسأله وجود ناسخ و منسوخ در قرآن ربطی به وجود اختلاف در آیات ندارد؛ زیرا آیات منسوخه دیگر از نظر معنی و محتوا به کنار گذاشته شده اند و مدت آنها موقتی بوده و آن مدت به سر آمده است. بنابراین آیات



منسوخه را نمی‌توان در مقابل آیات ناسخه قرار داد؛ زیرا آن آیات، دیگر دارای حکم معتبر نیستند و از نخست برای مدت معینی نازل شده بودند، وقتی آن مدت تمام شد، دیگر نباید آن‌ها را با آیات ناسخه در عرض هم قرار داد.

و نیز آیاتی که دارای عموم هستند و بعضی از آیات آن‌ها را تخصیص می‌دهند، این‌گونه آیات نیز میان هم اختلاف و تناقض ندارند، بلکه وجود مخصص دلیل بر آنست که از اول عمومیت عام اراده نشده است. به‌رحال آنچه مسلم است این است که، با وجود این که آیات قرآنی در مقاطع مختلف و در حالت‌های گوناگون و در طول بیست و سه سال نازل شده، هیچ‌گونه تضاد و تناقضی میان آیات و مطالب آن وجود ندارد و این خود یکی از نشانه‌های بارز حقایق قرآن است و به‌روشنی دلالت بر این می‌کند که قرآن از جانب آفریدگار جهان است. در واقع خداوند در این آیه با نبودن اختلاف و تعارض در قرآن، تحدی می‌کند و این مطلب را دلیل بر اعجاز قرآن معرفی می‌نماید.

باید توجه داشت که این تحدی مربوط به کتاب‌هایی است که موضوع آن همانند موضوع قرآن و درباره مسائل انسانی، فکری و تربیتی است و اگر در برخی از کتاب‌های ریاضی و طبیعی هم اختلافی وجود نداشته باشد، از فرض مسأله خارج است.

سیر تاریخی بحث از عدم تعارض در آیات

در طول تاریخ، برخی از معاندان اسلام، آیاتی از قرآن را مطرح کرده‌اند و مدعی شده‌اند که میان آن‌ها و برخی دیگر از آیات تعارض وجود دارد.

با بررسی سیر تاریخی طرح این موضوع، معلوم می‌شود که از همان قرون اولیه، کسانی درباره آیاتی از قرآن که موهم اختلاف و تعارض است، پرسش‌هایی را مطرح کرده‌اند و پاسخ‌های لازم را هم گرفته‌اند. از جمله در چند روایت، پرسش‌هایی در این باره از امیرالمؤمنین شده و در روایتی هم از ابن عباس چنین پرسش‌هایی شده است. شیخ صدوق نقل می‌کند، که مردی نزد امیرالمؤمنین آمد و درباره قرآن اظهار شک و تردید کرد و آیاتی را که به نظر او متعارض می‌نمود، مطرح کرد و امیرالمؤمنین با سعه صدر به همه آن‌ها پاسخ داد، به گونه‌ای که در نهایت، آن مرد گفت: یا امیرالمؤمنین مشکل مرا حل کردی، خداوند مشکل تو را حل کند و عقده مرا گشود، خداوند پاداش بزرگی به تو دهد.^۱

هم‌چنین طبرسی نقل می‌کند، که یکی از زنداقه نزد امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آمد و گفت: اگر نبود که در قرآن

۱. شیخ صدوق، *التوحید*، ص ۲۵۵. آیاتی که مرد پرسنده مطرح کرد و پاسخ‌هایی که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به یک‌یک آن‌ها داد، در متن روایت ذکر شده است، رجوع شود.



اختلاف و تناقض وجود دارد، من وارد دین شما می‌شدم. حضرت فرمود: آن چیست؟ و زندیق آیات متعددی را مطرح کرد و حضرت به همه آن‌ها پاسخ داد.^۱

در روایتی هم نقل شده که از ابن عباس درباره آن روز طولانی که در قرآن یکبار با تعبیر «الف سنه» و یکبار با تعبیر «خمسين الف سنه» از آن یاد شده، پرسیدند و او اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: آن‌ها دو روزند که خدا در کتاب خود ذکر کرده و من چیزی را که نمی‌دانم در کتاب خدا نمی‌گویم.^۲

در طول تاریخ، معاندان اسلام به‌خصوص کشیشان مسیحی تلاش کرده‌اند که بعضی از آیات قرآن را با بعضی دیگر متعارض قلمداد کنند و به این وسیله در دعوت‌های تبشیری خود، مسلمانان را به شک و تردید اندازد.

یکی از اقدامات آن‌ها در این زمینه، ترجمه قرآن کریم به زبان‌های لاتینی و انگلیسی توسط کلیسا بود، که با هدف تضعیف قرآن و با ارائه ترجمه‌ای نادرست و مغرضانه، این فکر را القا می‌کردند، که در قرآن مطالب ضد و نقیضی وجود دارد. اکنون ترجمه‌های نادرستی از قرآن در دست است، که در قرن‌های پانزدهم و شانزدهم میلادی با همان هدف صورت گرفته است. هم‌چنین در کشورهای آفریقایی، قرآن با همان شیوه توسط کشیش‌ها به زبان‌های محلی ترجمه شده، تا میان مسلمانان شک و تردید و میان مسیحیان نفرت ایجاد کنند.

ما امروز هم شاهد هستیم که در برخی از مجلات و شبکه‌های تلویزیونی و اینترنتی متعلق به مسیحیان، همان شیوه دنبال می‌شود و جالب این است که این‌ها سؤالاتی را مطرح می‌کنند که دانشمندان اسلامی و مفسران قرآن، خود آن‌ها را مطرح کرده و پاسخ‌های لازم را داده‌اند. چنین می‌نماید که کشیشان آن‌ها را از همین کتاب‌های اسلامی برداشته‌اند و پاسخ‌ها را نادیده گرفته و حذف کرده‌اند.

در آیه مورد بحث، ضمن بیان این که در قرآن اختلافی وجود ندارد، روش رسیدن به این حقیقت را هم ارائه می‌دهد و آن تدبیر در آیات قرآنی است، یعنی اگر در نگاه اول تعارضی میان آیات به نظر برسد، پس از تدبیر و فهم درست آیات، این تعارض ظاهری برطرف خواهد شد و می‌بینیم به‌جهت اهمیت تدبیر برای رسیدن به این حقیقت، امر به تدبیر را به‌صورت استفهام انکاری مطرح می‌کند، که دلالت بر تأکید فراوان دارد: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا».

در این جا به روایتی اشاره می‌کنیم که از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) نقل شده و بسیار راه‌گشا است. ابن شهر آشوب^۳ به روایت از کتاب *التبديل والتحرير* تألیف *ابوالقاسم کوفی* می‌نویسد:

۱. *احتجاج طبرسی*، ج ۱، ص ۲۵۸. در این روایت هم متن آیات آمده است.

۲. سیوطی، *الدر المنثور*، ج ۵، ص ۱۷۲. به‌زودی درباره این دو تعبیر بحث خواهیم کرد.

۳. *المناقب*، ج ۴، ص ۴۲۴.



«یعقوب بن اسحاق کندی فیلسوف عرب در عصر خود دست به تألیف کتابی به‌زعم خود در تناقضات قرآن زد و کسی را در جریان کار خود نگذاشت. روزی یکی از شاگردان او به حضور امام عسکری (علیه‌السلام) رسید. امام به او فرمود:

آیا در میان شما کسی نیست تا استادتان را از آنچه درباره قرآن انجام می‌دهد، باز دارد؟ او گفت: ما شاگرد او هستیم، چگونه می‌توانیم درباره این موضوع یا غیر آن به او اعتراض کنیم؟ امام به او گفت: اگر چیزی بگوییم به کندی می‌گویی؟ آن مرد گفت: آری، امام فرمود: پیش او برو و از وی بپرس: آیا از نظر شما ممکن است منظور قرآن غیر از آن معانی باشد که شما گمان کرده و پذیرفته‌اید؟ خواهد گفت ممکن است؛ زیرا اهل فهم است. بعد بگو: چه می‌دانی؟ شاید همان‌گونه که امکان آن را پذیرفتی مراد قرآن غیر از آن باشد که تو می‌فهمی و آن سخنان برای معانی دیگری به‌کار گرفته شده باشد. آن مرد نزد کندی آمد و سخنان امام را به او گفت، کندی که این مسأله را در سخن، امری محتمل و از نظر عقلی جایز می‌دانست، گفت: قسم می‌خورم که این کلام از تو نیست. آن مرد گفت: این سخنان از ابو محمد عسکری (علیه‌السلام) است. کندی گفت هم‌اکنون پیش او می‌روم که این امر جز از این خاندان بر نمی‌آید، آن‌گاه آتش خواسته و همه آن‌چه را که نوشته بود، سوزانده و از بین برد.

درباره چنین آیاتی که به ظاهر متعارض می‌نماید، مفسران در ذیل آیات مطرح شده بحث‌های مفصلی کرده و رفع اشکال نموده‌اند، علاوه بر آن برخی از دانشمندان اسلامی کتاب‌های مستقلی در این موضوع تألیف کرده‌اند، که از جمله آن‌ها «تلخیص‌البیان و حقائق‌التاویل» هر دو از سید رضی و «تأویل مشکل‌القرآن» از ابن قتیبه است. ابن قتیبه در مقدمه کتاب خود به سوءفهم و یا غرض‌ورزی کسانی که اشکالاتی درباره قرآن مطرح کرده‌اند، اشاره می‌کند و تمام اشکالاتی را که درباره آیات قرآنی عنوان می‌شود، ناشی از بی‌توجهی به معنای واقعی کلام خدا می‌داند.^۱ درباره این موضوع علاوه بر متقدمان، متأخران هم کتاب‌های مستقلی نوشته‌اند، که از جمله کتاب‌های مهم و مفید در این موضوع می‌توان از کتاب: «دفع ایهام‌الاضطراب عن آیات‌الکتاب» نوشته شنیطی صاحب تفسیر «اضواءالبیان» (متوفی ۱۳۹۳ هـ) نام برد، که به ترتیب سوره‌ها پیش رفته است.

بررسی نمونه‌هایی از آیاتی که به ظاهر متعارض می‌نماید

اکنون به‌عنوان نمونه چند آیه را که در نگاه اول موهم تعارض است، ولی پس از تدبر و بررسی قرائن و شواهد به‌روشنی رفع تعارض می‌شود، به‌طور اجمال توضیح می‌دهیم:

۱. تأویل مشکل‌القرآن، ص ۲۳.

۱. در هفت آیه از آیات قرآنی^۱ به صراحت گفته شده که آسمان‌ها و زمین در شش روز آفریده شده، «خلق السماوات والارض فی سته ايام» ولی در آیاتی از سوره فصلت تعداد این روزها هشت روز ذکر شده است:

«قُلْ اِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْاَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ اَنْدَادًا ذَلِكُمْ رَبُّ الْعَالَمِينَ. وَ جَعَلَ فِيهَا رَواسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا اَقْوَاتَهَا فِي اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ سَوَاءً لِلْسَّائِلِينَ. ثُمَّ اسْتَوَى اِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْاَرْضِ اَنْتِيَا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا قَالَتَا اَتَيْنَا طَائِعِينَ. فَفَضَّيْنَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَ اَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ اَمْرَهَا» (فصلت، ۹-۱۲)

بگو: «آیا این شماست که واقعاً به آن کسی که زمین را در دو هنگام آفرید، کفر می‌ورزید و برای او همتیانی قرار می‌دهید؟ این است پروردگار جهانیان.» و در زمین، از فراز آن کوه‌ها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد، و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه‌گیری کرد که برای خواهندگان، درست (و متناسب با نیازهایشان) است. سپس آهنگ آفرینش آسمان کرد، و آن بخاری بود. پس به آن و به زمین فرمود: «خواه یا ناخواه بیایید.» آن دو گفتند: «فرمان پذیر آمدیم.» پس آن‌ها را [به صورت] هفت آسمان، در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی کار [مربوط- به] آن را وحی فرمود.

می‌گویند: طبق این آیات، زمین در دو روز آفریده شده و در چهار روز هم سامان یافته و در دو روز هم آسمان‌ها آفریده شده، که جمعا هشت روز می‌شود.

در توضیح مراد این آیه، برخی از مفسران گفته‌اند: «اربعه ايام» با احتساب «یومین» است که در آیه قبلی آمده و در واقع زمین در دو روز آفریده شده و در دو روز هم سامان‌دهی و تقدیر اقوات صورت گرفته، که جمعا چهار روز می‌شود و در دو روز هم آسمان‌ها آفریده شده است و کلاً شش روز می‌شود. این نوع سخن گفتن و جمع میان دو عدد به این صورت در کلام عرب معمول است و به گفته زمخشری، به آن «فذلکه» می‌گویند.^۲

به نظر علامه طباطبائی، منظور از اربعه ايام، چهار فصل سال است که برای تقدیر اقوات لازم است. ایشان توضیح می‌دهد که آیاتی که در آن‌ها شش روز ذکر شده، مربوط به مجرد آفرینش آسمان‌ها و زمین است، اما در آیات سوره فصلت علاوه بر آن، سامان‌دهی و تقدیر اقوات هم مورد نظر است، که در هشت روز صورت گرفته است.^۳

۲. قرآن کریم از نزول فرشتگان در جنگ بدر برای کمک به مسلمانان خبر داده، ولی تعداد فرشتگان در یک سوره هزار تا و در سوره دیگر سه هزار و حتی پنج هزار تا ذکر شده است:

۱. اعراف، ۵۴؛ یونس، ۳؛ هود، ۷ و..

۲. الکشاف، ج ۴، ص ۱۸۸.

۳. المیزان، ج ۱۷، ص ۳۶۴.

«إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبُّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ.» (انفال/۹)

هنگامی که از پروردگارتان کمک می‌خواستید، پس او شما را اجابت نمود که من شما را به وسیله هزار فرشته صف- بسته یاری می‌کنم.

برپایه این آیه که مربوط به جنگ بدر است، تعداد فرشتگانی که به کمک مسلمانان آمده‌اند، هزار فرشته بوده است، ولی در آیه‌ای که می‌خوانیم تعداد فرشتگان شرکت کننده در جنگ بدر به سه هزار می‌رسد و وعده پنج هزار فرشته هم داده می‌شود:

«وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُزْلِمِينَ بَلَىٰ إِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» (آل عمران، ۱۲۳-۱۲۵)

و همانا خداوند شما را در بدر کمک کرد، درحالی که شما ناتوان بودید، پس از خدا پروا کنید، شاید که شکرگزار باشید. هنگامی که به مؤمنان می‌گفتی: آیا برای شما کفایت نمی‌کند که خداوند به وسیله سه هزار فرشته نازل شده شما را یاری کند؟ بلی، اگر صبر کنید و تقوا داشته باشید و دشمنان در این هجوم خود به شما بتازند، پروردگارتان شما را به وسیله پنج هزار فرشته نشان‌گذار کمک خواهد کرد.

باتوجه به اختلاف تعداد فرشتگان در دو آیه بعضی از مفسران حداکثر را گرفته‌اند و گفته‌اند پنج هزار فرشته در جنگ بدر شرکت کردند و بعضی از آنان همه را جمع‌بندی کرده و تعداد فرشتگان حاضر در آن جنگ را به هشت- هزار رسانیده‌اند.^۱ ولی ما تصور می‌کنیم که تعداد فرشتگان حاضر در جنگ، همان هزار فرشته بوده‌اند و در آیه آل عمران تصریح نشده است که سه هزار یا پنج هزار فرشته در جنگ شرکت کرده‌اند، بلکه لحن آیه به گونه‌ای است که مسلمانان بدانند که در صورت لزوم، تعداد فرشتگان به سه هزار و حتی پنج هزار، افزایش خواهد یافت.

مرحوم علامه طباطبائی در توضیح این مطلب بیان دیگری دارد. به عقیده ایشان کلمه «مُردفین» که در سوره انفال آمده بیانگر این است که این هزار فرشته در ردیف و پشت سر فرشتگان دیگر بوده‌اند. بنابراین، دو آیه با هم منافاتی ندارند.^۲

۳. در برخی از آیات گفته شده که انسان در روز قیامت مورد سؤال قرار خواهد گرفت، مانند:

«فَوَرَبِّكَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (حجر، ۹۲-۹۳) پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید از آن چه انجام می‌دادند. نظیر: اعراف، ۶؛ عنکبوت، ۱۳؛ صافات، ۲۴.

۱. شیخ طوسی: تفسیر التبیان، ج ۵، ص ۹۹.

۲. المیزان، ج ۴، ص ۶.



در برخی از آیات تصریح شده که در قیامت از گنه‌کاران سؤال نخواهد شد، مانند: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ». (رحمن، ۳۹) در آن روز، هیچ انس و جنی از گناهش پرسیده نشود. نظیر: (مؤمنون، ۱۰۱)(انبیاء، ۷۸)

در توضیح مطلب می‌گوییم: این گروه از آیات با یک‌دیگر هیچ‌گونه تعارض و تنافی ندارند، چون تعارض و تناقض مشروط به وحدت زمان و مکان است، درحالی‌که هر گروه از این آیات مربوط به زمان و مکان خاصی است و در روز قیامت موقف‌های متعددی است که هر کدام ویژگی خاص خود را دارد، در یک موقف گنه‌کاران مورد سؤال قرار خواهند گرفت و در موقف دیگری چنین نخواهد بود.

چکیده

با ورود قرآن به موضوعات مختلف و اظهار نظر درباره آن و تکرار آیات با عبارت‌های مختلف، نمی‌توان میان دو مطلب از مطالب قرآنی تناقض پیدا کرد. این تنوع و گستردگی مطالب در آیات قرآنی، از امتیازات قرآن است، درحالی‌که آیات قرآنی در طول بیست و سه سال در حالت‌های مختلف نازل شده است.

- منظور از نبودن اختلاف در قرآن، نفی تناقض در میان مطالب قرآن و نبودن اختلاف و تضاد در میان موضوعات مطرح شده در آن است، ولی اختلافاتی مانند اختلاف در کوتاهی و بلندی آیات و یا اختلاف قرائات و یا اختلاف در درجه فصاحت و بلاغت آیات، در قرآن وجود دارد، ولی دلیل بر سستی و ضعف نیست.
- مسأله وجود ناسخ و منسوخ در قرآن ربطی به وجود اختلاف در آیات ندارد؛ زیرا که آیات منسوخه دیگر از نظر معنی و محتوا به کنار گذاشته شده‌اند و مدت آن‌ها موقتی بوده و آن مدت به سر آمده است.
- قرآن روش رسیدن به این حقیقت را که تناقض و اختلاف در قرآن راه ندارد را تدبر در آیات قرآنی می‌داند و در پایان به بررسی نمونه‌هایی از آیاتی که به ظاهر متعارض می‌نماید، پرداخته می‌شود.